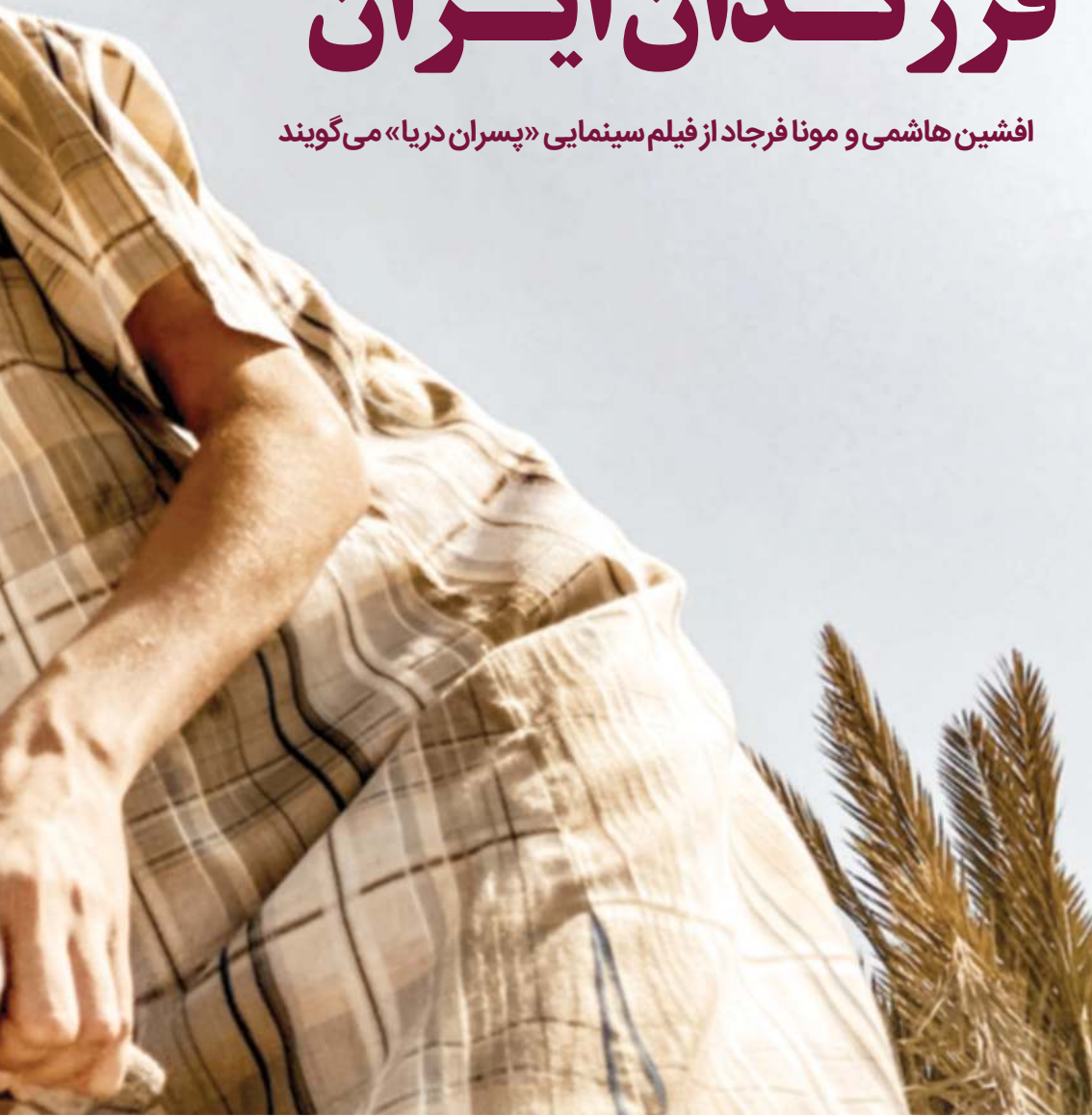


فرزندان ایران

افشین هاشمی و مونا فرجاد از فیلم سینمایی «پسران دریا» می‌گویند



سبا فرجاد
گفت و گو

آنچه که در فیلم سینمایی «پسران دریا» بیش از همه به وضوح دیده می‌شود، ساده و صمیمی بودن فضای آن است. روایتی دلنشین در فضایی که بسیار واقعی و رئال است. داستان در جهان دو جوان روایت می‌شود که شمال و جنوب بودن محل زیست آنها تفاوتی در صمیمیت قصه ایجاد نمی‌کند و هر دو اپیزود به دل مخاطب می‌نشینند. «پسران دریا» المان‌هایی دارد که موجب می‌شود آن را صرفاً در محدوده سینمای کودک و نوجوان نبینیم. جهانی که از این دو نوجوان تصویر می‌شود، فارغ از معصومیت‌های کودکانه، احساسات و روابط انسانی را نیز به نمایش می‌گذارد و مفاهیمی مانند عشق و مهربانی را در قالب جهان این دو نوجوان تعریف می‌کند. «پسران دریا» فیلمی است دوست‌داشتنی و می‌توان با تماشای آن از هم‌مسیر شدن با دو نوجوان ساده و صمیمی لذت برد. پسران دریا فیلمی به کارگردانی و نویسندگی افشین هاشمی و حسین قاسمی جامی و به تهیه‌کنندگی بهروز نشان محصول سال ۱۴۰۰ است. در «پسران دریا» مونا فرجاد در کنار دو نوجوان از شمال و جنوب کشور به نام‌های یاسین حبیب پور و منیب بزرگ‌زاده به همراه پیام امیر عبدالهیان، مهنوش شیخی، حسن خلدون، علی بحری، آیسان حداد و افشین هاشمی بازی کرده‌اند. به بهانه اکران «پسران دریا»، گفت‌وگویی با افشین هاشمی کارگردان و سناریست و مونا فرجاد بازیگر فیلم داشتیم که با ما همراه می‌شوید.



افشین هاشمی:
«پسران دریا»
شبیه به زندگی است

به نظر می‌رسد که دو شخصیت نوجوان در دو اپیزود فیلم، بیشتر از اینکه بازی کنند، خود واقعی‌شان هستند. در حقیقت فضای فیلم این حس دوست‌داشتنی را به مخاطب منتقل می‌کند. زندگی مجموعه‌ای در هم تنیده از عواطف و احساسات است و فراز و فرودش توأمان. مثلاً در یک مجلس عزاداری ممکن است لحظاتی بخندید یا در شادترین لحظات، خاطرهای غم‌انگیز اشک به چشمان‌تان بیاورد. گاهی در شادی، تصویری از اشک می‌بینیم و گاه بالعکس. از این منظر «پسران دریا» شبیه به زندگی است و واقع‌گرایانه. شاید همین توأمان بودن عواطف سبب می‌شود مخاطب با داستان و شخصیت‌ها ارتباط برقرار کند و قصه‌ی فیلم برایش ملموس شود و یا آن‌طور که شما می‌گویید مخاطب با حس خوب از سینما بیرون بیاید.

در این فیلم با دو نوجوان دهه نودی کار کردید. به نظر شما مهم‌ترین تفاوت نوجوان نسل امروز با نوجوان دهه‌های قبل در چیست؟

بی‌تردید تفاوت‌های بسیاری دارند. در دنیای امروز برای آگاهی از اتفاقی در آن سوی جهان، یک جستجو در اینترنت راه‌گشاست. اما دو نوجوانی که ما در این قصه داریم خیلی از فضای نوجوان‌های دهه‌های قبل دور نیستند. منگوش و لوجو، دو نوجوان مدرن در یک کلان‌شهر نیستند، یا دوراند یا توان مالی استفاده از تکنولوژی را ندارند. پس ارتباط آنها با محیط پیرامون هنوز به مجاز تبدیل نشده است. از این منظر شاید همانند نوجوان‌های دهه ۶۰ و ۷۰ باشند.

آنچه که در هر دو اپیزود فیلم به صورت محسوس وجود داشت، ارتباط این دو نوجوان با مفهوم عشق و آداب محبت بود. آیا چنین مقصودی داشتید؟

واقعیت این است که در دهه‌های قبل، جامعه‌ی بسته‌ای داشتیم که رابطه‌ی دو جنس مخالف، مذموم بود و اساساً مجاز نبود. اما نوجوان امروز، می‌تواند درک درست‌تری از ارتباط انسانی که عشق و محبت هم بخشی از آن است، داشته باشد؛ یا دست‌کم من دوست دارم اینگونه خیال کنم که آنها درک درست‌تری از روابط انسانی، فارغ از نگاه جنسیتی دارند. البته نگاه جنسی لزوماً غلط نیست و در زمانش خواه ناخواه اتفاق می‌افتد و اتفاقاً شاکله‌ی آن در نوجوانی شکل می‌گیرد. در این میان، نوجوان امروزی به واسطه ارتباطات گسترده‌ی جهانی، و داشتن هوش اجتماعی بالاتر، ممکن است حتی برای ابراز عشق و علاقه هم راه‌هایی کشف کند که به ذهن بزرگ‌ترها نرسد. جست‌وجوی عشق، محبت و مهرورزی انسانی، درون‌مایه‌ی

هم همین است؛ یاسین و منیب هر دو در برابر دوربین نابلد و نابازیگر بودند و بیرون کشیدن لحظات ناب اجرایشان نیازمند تمهیداتی بود.

آیا این دو نوجوان پس از تجربه بازی در این فیلم، دوست داشتند وارد جهان سینما شوند و مسیر بازیگری را دنبال کنند؟

بازیگری سودایی است که در سر خیلی‌هاست. مخصوصاً کسی که یک بار لذت آن را تجربه می‌کند، دوست دارد شیرینی این تجربه برایش ادامه داشته باشد. رفتن کور کورانه به سمت بازیگری، برای کسانی که یک بار آن را تجربه کرده‌اند بسیار اتفاق می‌افتد. من امیدوارم این دو آگاهانه با این مقوله برخورد کنند و تمامی جوانب این مسیر را بسنجند. در واقع بازی در این فیلم برای این دو نوجوان یک اتفاق بود. مثل این می‌ماند که هنگام غرق شدن در دریا، موج‌ها شما را به ساحل برسانند. این به آن معنا نیست که شما شناگر خوبی هستید، این اتفاق می‌تواند دری را برای شما باز کند که اگر علاقه به شنا کردن دارید تلاش کنید شناگر قابل‌شودید در غیر این صورت ادامه این کار ممکن است منجر به غرق شدن شما شود. من در طول فیلمبرداری، مدام به بچه‌ها این نکته را گوشزد می‌کردم.

مونا فرجاد چگونه برای نقش یسنا انتخاب شد؟ آیا از ابتدا در ذهن شما وجود داشت؟

پیش از این فیلم، در سه پروژه دیگر با مونا فرجاد همکاری کرده بودیم. ابتدا یومنا را یک زن بومی ناشنوا دیده بودم که قرار بر بازی مونا بود. اما به لطف رضا میر کریمی فیلمنامه‌ی «نگهبان شب» را خواندم که آن‌جا هم شخصیت زن فیلمنامه ناشنوا بود. نمی‌خواستم ایده‌ی دو فیلم عیناً شبیه به هم باشد در نتیجه این مورد را تغییر دادم. با

مشترک است برای همه‌ی انسان‌ها. همیشه سعی داشته‌ام در کارهایم به آن بپردازم و گمانم پرداختن به این مفاهیم، لازمه‌ی جامعه امروز است. جامعه‌ای که به نوعی در آستانه‌ی فروپاشی قرار دارد. در حقیقت دوست دارم در کارهایم موضوعات و مفاهیمی را تصویر کنم که آرزومند تحقق‌شان هستم.

کمی از چگونگی انتخاب بازیگران نوجوان فیلم بگوئید.
انتخاب بازیگر نقش لوجو توسط آقای حسین جامی انجام شد که یاسین را در باشگاه‌های کشتی پیدا کرده بود و به نظر من هم، انتخاب بسیار خوبی بود. یاسین تجربه بازی نداشت اما در دومین جلسه بازیگردانی در یافتم که می‌شود مثل یک بازیگر حرفه‌ای با او رفتار کرد. در واقع میزانشان‌ها، سکانس‌ها، عواطف و احساسات و... را برایش توضیح می‌دادم و او اجرا می‌کرد.

برای اپیزود دوم نیز، به گزینه‌های مختلفی فکر کرده بودم اما دقیقاً یک روز مانده به آغاز فیلمبرداری، به همراه احمد ساکت؛ طراح صحنه فیلم، در کوچه‌پس‌کوچه‌های جزیره کیسش، در میان نوجوان‌های بومی، منیب را پیدا کردیم. اگر چه شیطنت‌هایش کار کردن با او را سخت می‌کرد اما شور و هیجانی درون منیب وجود داشت که مناسب نقش منگوش بود.

کار با کدام یک از بازیگران نوجوان برای شما ساده‌تر بود؛ یاسین یا منیب؟

حتی در سینمای حرفه‌ای که تمام عوامل حرفه‌ای هستند، کارگردان موظف‌ست پیدا کند که با هر بازیگر چگونه کار کند. در نهایت، این نتیجه کار و ثبت اثر است که اهمیت دارد که باید به بهترین شکل انجام شود. در خصوص نوجوان‌های فیلم «پسران دریا»